



امثال و حکم عرب خوزستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تألیف: جامعه علوم انسانی

می‌توانند ایفا کنند.

اخیراً و پس از یک دوره کم‌کاری مفروض، باب جمع‌آوری و انتشار اجزای مختلف فرهنگ عامه اقوام مختلف ایرانی گشوده شده است و با انتشار کتابهای متعددی در این زمینه مواجه شده‌ایم؛ کتابهایی که اقبال عمومی خوانندگان را نیز برانگیخته‌اند. کتاب **امثال و حکم عرب خوزستان** که به همت پژوهشگر خوزستانی، حاج کاظم پورکاظم، منتشر شده است یکی از این نمونه‌هاست. این کتاب مشتمل بر قریب ۱۳۰۰ ضرب‌المثل، در دو جلد و با ۷۰۰ صفحه است که توسط انتشارات «امه» منتشر شده است. پیش از این نیز کتابی در همین زمینه با نام **فرهنگ ضرب‌المثل‌های عربی خوزستان** به همت محمد جواهر کلام و وهاب خانچی منتشر شده بود. اگر چه این کتابها هم از لحاظ تعداد امثال و هم از حیث روش شناسی با یکدیگر تفاوت‌های جدی دارند، اما در یک زمینه یعنی محدودیت منطقه‌ای مشترک هستند. مؤلفان هر دو کتاب برای جمع‌آوری امثال فقط به برخی از شهرهای عرب‌نشین خوزستان نظر داشته‌اند. به همین دلیل باید گفت با انتشار این کتابها فقط بخش اندکی از گنجینه عظیم امثال

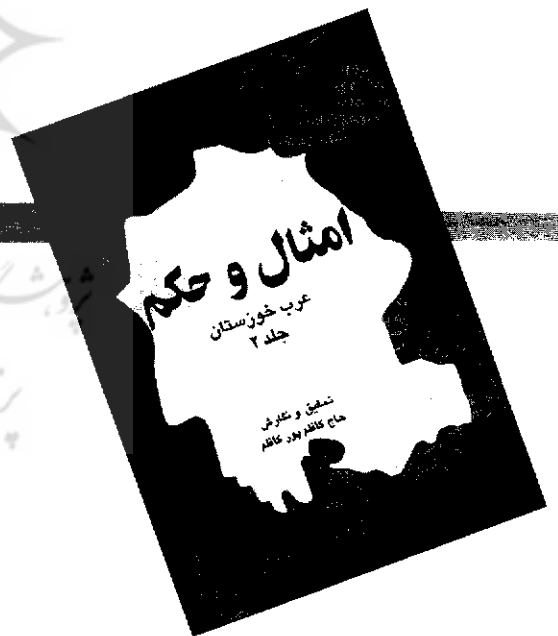
امثال و حکم به مثابه جزء شاخصی از فرهنگ عامه هر قوم، مبین وضعیت جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... آن قوم است. هم از این رو است که کوه‌نشینان، صحراگردان، ساکنین جنگلها، و آنهایی که در کنار دریا زندگی می‌کنند، هر یک امثال خاص خویش را دارند. علاوه بر این، تفاوت‌های اجتماعی نیز باعث ایجاد امثال متفاوت می‌شود. سنن سیاسی هر جامعه و روان‌شناسی اجتماعی آن نیز به نوبه خود تأثیرات معینی بر خلق ضرب‌المثل دارند. به همین دلیل است که پژوهشگران علوم اجتماعی از خلال بررسی امثال و حکم هر قومی می‌توانند با بسیاری از ویژگیهای سیاسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن قوم آشنا شوند. در کشور ما که تکثر و تنوع گروه‌های قومی و زبانی یکی از ویژگیهای بارز آن است، امثال و حکم رایج در بین مردم نیز از تنوع قابل توجهی برخوردار است. متأسفانه تا مدتها نیروی اصلی پژوهشگران در این مقوله بر گویشهای مختلف زبان فارسی متمرکز شده بود و به امثال و حکم رایج در بین سایر گروه‌های قومی و زبانی توجه کمتری می‌شد. بی‌تردید نقش اساسی در رفع این نقیصه را پژوهشگران بومی



● امثال و حکم عرب خوزستان

محمد جعفری (قزوانی)

● انتشارات امه، چاپ اول، ۱۳۷۷



نیز مناطق ساحلی، هریک بخشی از این منطقه را تشکیل می دهند. این وضعیت متنوع جغرافیایی، باعث تنوع شیوه معیشت مردم شده است. تاپیش از کشف نفت و گسترش صنعتی آن، شیوه های گذران زندگی مبتنی بر نخل داری، تجارت، صیادی، کشاورزی و دام داری بوده است. در شهرهای خرمشهر، آبادان و شادگان نخل داری و تجارت رونق داشت. در اطراف دشت آزادگان و شوش، دام داری از مهم ترین شیوه های گذران زندگی بوده است. در شهرهای بندری چون ماهشهر، هندیجان، خرمشهر و تاحدودی بوزی (دورق) تجارت خارجی و نیز لنج داری رونقی همه جانبه داشت. این تنوع معیشتی نه فقط در امثال و حکم رایج در بین مردم، بلکه در سایر اجزای فرهنگ عامه بازتاب خاص خود را داشته است. به عنوان مثال کاربرد نخل در امثال مردم خرمشهر، آبادان و شادگان نسبت به سایر مناطق بسیار چشمگیر و قابل توجه است. امثال فراوانی از سایر مناطق می توان ذکر کرد که در این شهرها با تمثیل به نخل بیان می شوند:

- درازی او به اندازه نخل است، اما مغزش به اندازه بز. (قدش به قدشتر و عقلش اندازه بز)

مردم عرب خوزستان به علاقه مندان این مقوله معرفی شده است و هنوز کارهای زیادی در این زمینه وجود دارد که محققان و پژوهشگران می توانند به آن توجه داشته باشند.

در این نوشته پس از اشاره مختصری به وضعیت طبیعی و اجتماعی خوزستان و تأثیر آن بر امثال و حکم رایج در بین مردم منطقه، به بررسی کتاب پورکاسم می پردازیم.

خوزستان از لحاظ ویژگیهای جغرافیایی بسیار متنوع است. جلگه وسیع و گسترده، هور (تالاب) های بزرگ، مناطق کوهستانی و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

رایج در سایر شهرها مانند شادگان، خرمشهر، آبادان، ماهشهر، اروندکنار و هندیجان بازناب کمتری در این کتاب یافته‌اند. امثال رایج در این شهرها ارتباط بی‌واسطه‌ای با نخل، تجارت و دریا دارند. تقریباً می‌توان گفت هیچ نمونه‌ای از امثال دریایی در این کتاب وجود ندارد. منظور از امثال دریایی، آن بخش از ضرب‌المثلهایی است که به نوعی با دریا، لنج، لنج‌داری، تجارت دریایی، مسافرت دریایی و موجودات دریایی مربوط می‌شوند. این امثال از غنی‌ترین ضرب‌المثلهای مردم عرب منطقه است که علاوه بر خوزستان در

خرمائی نارس هم خوب است. (لنگه کفش در بیابان نعمت است)
- پزیش عالی است، ولی نصف شکمش پر از خارک است. (پز عالی، جیب خالی)
پس از این مقدمه اکنون به برخی از ویژگیهای کتاب **امثال و حکم عرب خوزستان** به صورت مختصر اشاره می‌شود:
۱- آنچه در این کتاب بیش از هر چیز به چشم می‌خورد، امثال رایج در بین مردم دشت آزادگان و شوش است. به عبارتی دیگر امثال

سایر بنادر جنوب و نیز کشورهای آن سوی خلیج فارس رایج است. در مورد نخل، نخل داری و عوامل مرتبط با آن نیز فقط سیزده مثل در کتاب منعکس شده است؛ یعنی چیزی حدود یک درصد از مجموع ضرب المثل‌های کتاب.

۲. تعداد زیادی از این امثال (حدود ۴۳۰ مثل یعنی قریب ۳۵ درصد) در زبان فارسی نیز رایج است. علاوه بر این تعداد قابل توجهی نیز (۲۴۱ مثل) در لهجه‌های مختلف فارسی منطقه عیناً وجود دارد. به اعتقاد نگارنده اینکه امثال مزبور از زبان فارسی وارد زبان عربی شده است یا بالعکس، مسئله ثانوی است. این واقعیت بیش و پیش از هر چیز نشان‌دهنده اشتراکات عمیق فرهنگی است که در بین مردم فارسی و عرب ایرانی وجود دارد. در زیر به تعدادی از این امثال اشاره می‌شود:

اگر ده دختر کور داشته باشی، همه را شوهر می‌دهی.
بزرگ نمیر بهار می‌آید.
خواستم نواب کنم کتاب شدیم.
سگ خانه باش کوچک خانه نباش.
بازرومی روم، باز رنگی رنگ.
بیر اثر صبر خوبت ظفر آید.

چراغی که به خانه روانست به مسجد حرام است.
در حقیقت باید گفت این امر نشان‌دهنده یکی از کارکردهای مهم فرهنگ عامه، یعنی تأکید بر روی اشتراکات اساسی زندگی است؛ زیرا افراد مختلف یک کشور (ممکن است بر اثر شرایط اقلیمی، جغرافیایی، تاریخی و... تفاوت‌هایی در شیوه معیشت داشته باشند، ولی وقتی به محتوای ذهنی آنان توجه شود، ملاحظه می‌شود که بیش از آن چه ظاهراً معلوم است در محتویات ذهنی و نیز رفتار آنان مواد مشترک وجود دارد و همین مواد مشترک فرهنگ عامه است که به حق ضامن هم بستگی ملی است. (فرهنگ و زندگی - زمستان ۱۳۵۶).

۳. مؤلف در بسیاری از موارد اقدام به قضاوت‌های ارزشی کرده است. این امر در کار جمع‌آوری فرهنگ عامه نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد. همچنین صفحات زیادی از کتاب به توضیح مسائلی غیر ضروری و بی‌ارتباط با فرهنگ عامه اختصاص یافته است، مسائلی از قبیل علل فقر (مثل شماره ۱۳۶)، معیارهای انتخاب همسر (مثل ۱۸۱)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (مثل ۱۷۵)، و... متأسفانه این گونه موارد قریب یک سوم از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است.

۴. در تدوین فرهنگ‌هایی از این دست، به دلیل تشابه معنی و مفهوم برخی از امثال، ضروری است که نویسنده مدخل‌های مشابه را به همدیگر ارجاع دهد. این امر هم باعث کم حجم شدن کتاب می‌شود و هم خواننده را با صورتهای متفاوت یک مثل آشنا می‌کند. متأسفانه نویسنده نه فقط چنین روشی را به کار نبرده است، بلکه در مواردی توضیحات یکسان و مشابهی درباره مدخل‌های مترادف داده است. مانند توضیحات مدخل ۵۶ که در مدخل‌های ۸۰ و ۲۷۹ نیز عیناً نقل شده است. در بیان تمثیل نیز در هر سه مدخل، یکی از اشعار «بشار بن برد» را تکرار کرده است. در همین زمینه می‌توان به ضبط امثالی اشاره کرد که روایت‌های فصیح و محاوره‌ای آنها به صورت

مدخل‌هایی مستقل ذکر شده‌اند. مانند «دروغ گو دشمن خداست» که یک بار به شکل فصیح «الکذاب عدو الله» در مدخل ۲۹۸ و یک بار هم به صورت محاوره‌ای «الچذاب عدو الله» در مدخل ۱۵۸ آمده است.

۵. بعضی از امثال ترجمه تحت اللفظی شده‌اند که باعث ابهام معنی و حتی تغییر مفهوم مثل شده است که به دو مورد آن اشاره می‌شود: اول، در مدخل ۲۵، «ابن کلب» را به جای «پدرسگ» یا «توله سگ» به «پسر سگ» ترجمه کرده است. دوم، در مدخل ۸۰ «استقیق یا کمون» ابتدا در توضیحات اصلی مدخل، با ترجمه «کمون» به «زیره» مفهومی بسیار بعید و دور از ذهن از مثل ارایه داده است و سپس به شکلی حاشیه‌ای به مفهوم خاص آن پرداخته است. این مثل که از امثال فصیح و سنایر عربی است و علاوه بر کشورهای عربی در بعضی از شهرهای خوزستان مانند آبادان و خرمشهر نیز رایج است به مفهوم «زجر کش کردن» به کار می‌رود. برخلاف نظر مؤلف «کمون» در این مثل اسم شخص است؛ گریم به لحاظ لغوی معنی «زیره» را می‌دهد. (رنگ امثال البغدادیه).

۶. یکی از ارزنده‌ترین ویژگی‌های این کتاب شرح تاریخی-امثال و به عبارتی «شان نزول» آنهاست. برای جمع‌آوری فرهنگ عامه مراجعه مستقیم به حاملان این فرهنگ، یعنی مردم شهر و روستا و گفت‌وگو با معمرین و سالمندان بسیار ضروری است. بی‌تردید این کار یکی از مشکل‌ترین و پرهزینه‌ترین مراحل تحقیق و تفحص در این مقوله است که فقط با اعتقاد به علمی بودن این روش و در عین حال با عشق ورزی به مقوله مورد پژوهش قابل تحقق است. در یک کلام باید گفت پورکاظم در این زمینه سنگ تمام گذاشته است و همین یک نکته که به لحاظ روش‌شناسی پژوهش در فرهنگ عامه بسیار با اهمیت است به کتاب وی ارزش و جایگاه خاصی بخشیده است.

در پایان باید گفت: اگرچه اقدام مؤلف در همین حد نیز قابل تقدیر و ستایش است، ولی چنانچه ایشان کتاب خود را مورد ویرایش مجدد قرار دهد و زواید و شاخ و برگ‌های اضافی آن را با جدیت کامل پیرایش کند، کتابی به مراتب قابل استفاده‌تر و مقبول‌تر به خوانندگان عرضه خواهد کرد و طبیعی است که در چنین صورتی زحمات وی نیز ماء‌جورتر خواهد بود.

منابع:

۱. امثال و حکم - علی اکبر دهخدا.
 ۲. کتاب کوچک - احمد شاملو.
 ۳. فرهنگ ضرب‌المثل‌های عربی خوزستان - محمد جواهر کلام و وهاب خانجی.
 ۴. امثال البغدادیه (به زبان عربی) - شیخ جلال الحنفی.
- علاوه بر این، مصاحبت با فاضل ارجمند جناب عبدالنبی قیوم نیز باعث رفع بسیاری از مشکلات نگارنده در این بررسی شده است.